

Investigating Social Factors Affecting Managers' Attitude towards Rent in Mazandaran Province Offices

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Mohammad Ali Varzi Daronkla¹

Seifullah Farzaneh^{2*}

Abolghasem Heiderabadi³

How to cite this article

Mohammad Ali Varzi Daronkla, Seifullah Farzaneh, Abolghasem Heiderabadi, Investigating Social Factors Affecting Managers' Attitude towards Rent in Mazandaran Province Offices, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(3): 546-563.

1. PhD student, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mfilib@yahoo.com

Article History

Received: 2022/08/19

Accepted: 2022/10/24

ABSTRACT

Purpose: This research has sought to investigate the social factors affecting rent-seeking and provide an optimal model.

Materials and Methods: In this research, a survey method and a researcher-made questionnaire were used. The statistical population of this research consists of the middle managers of the general administration of Mazandaran province. To determine the sample size, Krejci and Morgan's table was used. Based on this, the sample size was estimated to be 378 people and the questionnaires were distributed in the sample population based on random sampling method. SPSS and Lisrel statistical analysis software were used for data analysis. The obtained results show that there is a significant relationship between individualism, lack of trust, the type of formal and informal relationships, the weakness of the supervisory system, and the lack of information transparency.

Findings: The results of the compiled model to explain the changes in the amount of rent-seeking in the offices of Mazandaran province show the significant impact of the external variable of individualism and the internal variables of lack of trust, weak monitoring system and lack of transparency of information on rent-seeking.

Conclusion: In general, the results of the research show that with increasing individualism, lack of trust, weak monitoring system and lack of transparency of information, rent-seeking can be expected to increase in the society.

Keywords: Subjective And Objective Rent-Seeking, Erosion Of Social Capital, Administrators Of Mazandaran Province

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر نگرش مدیران به

رانت در ادارات استان مازندران

محمدعلی ورزی درونکلا^۱

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

سیف‌الله فرزانه^{۲*}

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول).

ابوالقاسم حیدرآبادی^۳

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

هدف: این پژوهش به دنبال بررسی عوامل اجتماعی موثر بر رانت خواری و ارائه یک مدل بهینه بوده است.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را مدیران میانی ادارت کل استان مازندران تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد. بر این اساس حجم نمونه برابر با ۳۷۸ نفر برآورد شد و پرسشنامه‌ها بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی در جامعه نمونه توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار تحلیل آماری SPSS و لیزرل (Lisrel) استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد فردگرایی، عدم اعتماد، نوع روابط رسمی و غیر رسمی، ضعف سیستم نظارتی و عدم شفافیت اطلاعات رابطه معناداری دارد. نتایج مدل تدوینی برای تبیین تغییرات میزان رانت‌خواری در ادارات استان مازندران نشان دهنده تاثیر معنادار متغیر بیرونی فردگرایی و متغیرهای درونی عدم اعتماد، ضعف سیستم نظارتی و عدم شفافیت اطلاعات بر رانت‌خواری است. نتیجه‌گیری: به طور کلی نتایج تحقیق نشان می‌دهد با افزایش فردگرایی، عدم اعتماد، ضعف سیستم نظارتی و عدم شفافیت اطلاعات می‌توان انتظار داشت رانت خواری در جامعه افزایش یابد.

واژگان کلیدی: رانت خواری ذهنی و عینی، فرسایش سرمایه اجتماعی، مدیران ادارت استان مازندران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲

* نویسنده مسئول: mfilib@yahoo.com

مقدمه

رانت خواری و رانت جویی یا دور زدن قانون یا انحراف از قانون در هر جامعه‌ای تا اندازه‌ای وجود دارد که این موضوع با توجه به نوع جامعه می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. مطالعات مختلفی که در دو دهه اخیر در ایران به صورت نظرسنجی انجام شده است، گرایش به رفتار قانون‌گریزانه از جمله نادیده گرفتن قوانین رانندگی، عدم پرداخت مالیات، پرداخت رشوه در ادارات و رانت‌جویی و رانت‌خواری در کشور را تایید کرده‌اند. در عین حال مطالعات دیگری با رویکرد تحلیلی به بررسی عوامل موثر بر قانون‌گریزی در ایران پرداختند. بازتحلیل این تحقیقات بیانگر تاثیر عوامل کلی زمینه‌ای، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر قانون‌گریزی است (۱). در عین حال رانت‌خواری و رانت‌جویی می‌تواند نتیجه نهایی عدم تعلق اجتماعی فرد رانت‌خوار و رانت‌جو به هنجارهای رسمی اجتماعی باشد. پیوند اجتماعی ضعیف یا سرمایه اجتماعی منفی فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که رانت‌خواری و رانت‌جویی را به اطاعت از قانون و شفافیت ترجیح می‌دهد.

سرمایه اجتماعی که حاصل روابط اجتماعی بین افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است، در برقراری نظم اجتماعی تاثیر بسزایی دارد چرا که سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته شده جامعه‌شناسی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد (۲). اهمیت این مفاهیم در برقراری نظم اجتماعی در سطح جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چرا که نقصان در هر یک از این مفاهیم در سطح فردی بی‌نظمی و انحراف اجتماعی (رانت-خواری و رانت‌جویی) را به همراه خواهد داشت.

باید توجه داشت که جوامع در حال گذار، تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف را تجربه می‌کنند. از این رو سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های دیگر فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی) دچار تغییراتی می‌شود. اما مساله اینجاست که سرمایه اجتماعی مشخصا از حالت درون‌گروهی به سوی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی حرکت نمی‌کند و این موضوع جامعه را با فرسایش سرمایه اجتماعی روبرو خواهد کرد (۳). در حقیقت باید گفت اگر روابط درون-گروهی را که موجب پیوند اجتماعی افراد جامعه می‌شود سرمایه اجتماعی مختص جامعه سنتی بدانیم با وقوع تحولات اجتماعی لازم است تا روابط اجتماعی که اساس سرمایه اجتماعی است از حالت درون‌گروهی به سمت روابط برون‌گروهی میل کند. این روابط اجتماعی برون‌گروهی موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی جدید می‌شود. اما به نظر می‌رسد که در جوامع در حال گذار این انتقال به دلایل مختلف یا اتفاق نمی‌افتد یا اینکه اگر هم اتفاق می‌افتد به دلیل سرعت تغییرات یا ناموزون بودن آن دچار نوعی فرسایش می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت که این ضعف پیوندهای عینی و ذهنی نسبت به جامعه است که موجب به وجود آمدن مسائل مختلف در جامعه می‌گردد. این پیوندهای ضعیف را می‌توان در قالب فرسایش سرمایه اجتماعی توضیح داد.

در سالهای اخیر سواستفاده مالی از قدرت و تصمیم‌گیری در جهت اهداف شخصی و محافل گروهی، نظر بسیاری از دلسوزان و

می‌باشد و بر عکس به دلیل قوت سرمایه اجتماعی درون-گروهی (قدیم) پیامدهای آن (مانند احساس شادی و احساس رضایت) به دلیل روابط شخصی افراد با گروه‌های کوچک غیر رسمی بالاست (۱۲). نتیجه این تحقیق بیانگر غلبه سرمایه اجتماعی قدیم (درون گروهی) بر سرمایه اجتماعی برون یا بین گروهی) است. قطعاً این نوع سرمایه اجتماعی تأثیر منفی ای بر عام‌گرایی و انسجام ملی گذاشته که نتیجه آن انواع آسیب‌های اجتماعی و اختلال در نظم اجتماعی است.

بررسی میزان اعتماد به مسئولین بعنوان یکی از مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی در بعد از انقلاب نشان می‌دهد که در چهار مقطع ۱۳۵۶، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱، ۱۳۷۳ ابتدا از مقطع اول به دوم افزایش یافته و بعد از آن به شدت کاهش یافته است (۱۳). در پیمایش ملی ارزشها و نگرش‌های ایرانیان سال ۱۳۷۹ و سال ۱۳۸۲ از پاسخگویان خواسته شده بود تا میزان اعتماد خود را به نیروی انتظامی بیان کنند. میانگین میزان اعتماد به نیروی انتظامی در یافته های ۷۹ و ۸۲ نشان می‌دهد که در مجموع پاسخگویان به نیروی انتظامی در حد متوسط اعتماد داشته اند. جوانان، تحصیل کرده‌ها و طبقات بالا کمترین اعتماد را نسب به نیروی انتظامی داشته‌اند (۱۴). در تحقیق دیگری که در سال ۱۳۸۴ در کل کشور انجام شده است از لحاظ میزان اعتماد به نهادهای متولی اجرا و نظارت بر قوانین کشور، میزان اعتماد به این نهادها به ترتیب عبارتند از: نیروی انتظامی (۴۴/۱ درصد)، قضات دادگاه (۳۲/۴ درصد)، مدیران دانشگاه‌های دولتی (۱۶/۲ درصد)، نمایندگان مجلس (۲۳/۸ درصد) و نهادهای رسمی ناظر (۲۷/۶ درصد). این آمارها نسبت به آمارهای سال ۱۳۸۲ کاهش یافته است (۱۵). همچنین میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان ۱۱ دانشگاه دولتی شهر تهران پایین رو به بالا ارزیابی شده است (۱۶). برآورد سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۸۵ برای جوانان در سراسر کشور به ترتیب ۳۴/۷ کم، ۳۳/۵ متوسط و ۳۱/۸ زیاد بوده است. در برآوردی جداگانه میزان سرمایه اجتماعی برای کل جامعه به ترتیب ۳۸/۶ کم، ۳۴/۶ درصد متوسط و ۳۶/۸ درصد هم زیاد بوده است.

تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی در میان استانهای کشور نشان دهنده آن است که سرمایه اجتماعی از وضعیت مطلوبی در کشور برخوردار نیست. این نوسانات ناشی از مسایل سیاسی، تاریخی و فرهنگی است. اگر به دقت به روند سرمایه اجتماعی توجه کنیم متوجه می شویم که در بلند مدت روند خفیف نزولی داشته است. به طور کلی استانهای مرکزی نسبت به استانهای حاشیه ای و مرزی از سطح سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. استان فارس بیشترین و استان سیستان و بلوچستان کمترین سرمایه اجتماعی را دارا می-باشند (۱۷). البته این موضوع بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی اجتماعی رابطه دارد (۱۸). همه این تحقیقات بیانگر این است که ما در ایران با فرسایش سرمایه اجتماعی و یا حتی عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برون گروهی روبرو هستیم که این وضعیت می‌تواند موجب شکل‌گیری مسایل اجتماعی و یا با توجه به موضوع تحقیق رانت خواری و رانت‌جویی شود.

مطالعات مختلف روابط بین سرمایه اجتماعی منفی و انحراف را تایید کرده اند (۱۹). در عین حال نظریه پردازانی چون پاتنام و

اندیشوران را به خود معطوف کرده است. از آنجا که این امر، تبعیض و فساد به حساب می‌آید رهبر فرزانه انقلاب همگان را به مبارزه بی امان با فقر، فساد و تبعیض فراخوانده‌اند. ناگفته پیداست که فقر زاییده فساد است و فساد نیز زاییده تبعیض. تبعیض نیز به معنای امتیاز نارواست و مصداق بارز تبعیض، در ادبیات اقتصادی، رانت یا مفت خواری و کسب ثروتهای بادآورده در سایه این پدیده است.

بر این اساس هدف این مقاله، بررسی رابطه بین فرسایش اجتماعی و رانت خواری و رانت جویی در بین مدیران رده میانی استان مازندران می‌باشد.

پیشینه تجربی

در رابطه با رانت خواری در ایران تحقیقات زیادی انجام شده است اما نکته محوری که در این نوع تحقیقات وجود دارد گرایش تحقیقات بر رانت خواری اقتصادی است. عمده تحقیقات موجود در حوزه انحرافات و جرایم اجتماعی در ایران بر جرایم و یا بزهکاری جوانان پرداختند و کمتر به رانت خواری پرداختند. با این حال برخی از مطالعات عمدتاً اسنادی به بررسی رابطه بین برخی از متغیرها و رانت خواری پرداختند.

این تحقیقات به بررسی تأثیر عواملی چون استبداد سیاسی (۴)، خاص-گرایی فرهنگی (۵)، نابرابری اقتصادی (۶)، نامناسب بودن قوانین (۷)، عدم کفایت مجریان قانون (۸)، ضعف ضمانت اجرایی (۹) و فردگرایی (۱۰) بر قانون‌گریزی و رانت خواری پرداختند.

بر این اساس تحقیقات موجود بیشتر به عوامل کلان ساختاری به عنوان عامل تأثیرگذار بر قانون‌گریزی رانت خواری توجه کردند و کمتر به بحث نوع و شکل رابطه افراد با جامعه و تأثیر آن بر انحرافات توجه نشان دادند. اما باید توجه داشت که اختلال در روابط اجتماعی افراد با جامعه می‌تواند زمینه بروز انحراف و رانت‌خواری در جامعه را فراهم سازد.

تحقیقات مختلفی که در زمینه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده است بیانگر فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران هستند (۱۱). مرور این تحقیقات مشخص کرد که شاخصهای سرمایه اجتماعی در ایران امروز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند.

در تحقیقی که تحت عنوان سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده است کل سرمایه اجتماعی (فرآیند، مولفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی) در ایران پایین رو به متوسط است. در بعد روابط تخصصی نظیر همکاری با نهادهای مدنی ضعیف‌تر و در بعد پیوندهای بین فردی مالی، رفت و آمد با همدیگر قوی‌تر است. سرمایه اجتماعی درون-گروهی با قدیم بیشتر از سرمایه اجتماعی بین گروهی با جدید است. هرچه از سطح خانواده به سطوح بالاتر (خود، خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان، هم محله‌ها، هم‌قومان، همشهریان و هموطنان) حرکت کنیم میزان سرمایه اجتماعی کمتر می‌شود. بیشترین میزان آن در سطح خانواده و کمترین میزان آن در سطح ملی است. بر اساس این تحقیق به دلیل ضعف سرمایه اجتماعی بین گروهی (جدید) پیامدهای آن از جمله عام‌گرایی و انسجام جمعی کم

مدل های کارفرما کارگزار به شدت وابسته به وجود سطحی از اعتماد بین عوامل خواهد بوده و در عین حال مطالعه و تحلیل روی ابعاد مفهوم اعتماد عموماً به طور واضح و صریح و یا ضمنی به اعتماد عمومی اشاره دارد که بایستی از اعتماد در عرصه ی خصوصی تفکیک شود. برای اعتماد در ادبیات اجتماعی دو تفکیک اعتماد در حوزه عمومی ۱ در مقابل اعتماد در حوزه خصوصی ۲ بیان شده است (۲۰).

تفکیک بین اعتماد در عرصه ی عمومی و خصوصی عموماً با این تعبیر کاملاً روشن انجام گرفته توسط بانفیلد ۳ معرفی می شود که بر اساس نتایج مطالعه بر روی رفتار افراد در دهکده ای در جنوب ایتالیا نتیجه می گیرد که در آن افراد توسط روابط بسیار قوی در درون خانواده ها به یکدیگر متصل هستند و به هیچ عنوان در بین خانواده ها این ارتباط وجود ندارد.

به همین جهت او که مبدع تعبیر نظریه خانواده گرایی غیراخلاقی ۴ بود، از این اصطلاح برای توصیف وضعیتی استفاده می کند که در آن هیچ اعتمادی بین مردم و به یکدیگر خارج از خانواده و یا گروه های قوم و خویش و نژادی و بین افرادی که یکدیگر را نمی شناسند؛ وجود نداشته باشد (۲۱).

آنچه بانفیلد مطرح کرده در حقیقت تفاوت مفهومی است که در حال حاضر بین مفهوم اعتماد خاص با اعتماد تعمیم یافته یا عمومی وجود دارد.

در حالی که اعتماد خاص ناشی در تعاملات چهره به چهره را می توان به عنوان مفهوم شهرت نیز تصور نمود که برای اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی بدلیل زیادی و تعدد ادبیات موضوعی روی آن شناخته شده، اما مفهوم اعتماد تعمیم یافته، از سوی دیگر، به اعتماد نسبت به سایر افراد و غریبه ها و گروه های ناشناس اطلاق می گردد.

همان گونه که فوکویاما ۵ تعبیر می نماید که اعتماد عمومی زمانی رخ می دهد که یک جامعه مجموعه ای از ارزشهای اخلاقی را به صورتی به اشتراک بگذارد که یک نوع انتظارات منظم برای انجام و تکرار رفتارهای صادقانه، قابل اعتماد و منظم ایجاد شود، به عبارت دیگر، اعتماد تعمیم یافته دارای تفاوتهای اساسی و مفهومی با اعتماد خاص است. چراکه حوزه ی آن، از سطح روابط شناخته شده بین افرادی که بدلیلی دارای ارتباطات بوده اند؛ به سطح ایجاد اعتماد بین گروه ها و بخش هایی که هیچ نوع اطلاعات مستقیم از یکدیگر ندارند، تبدیل می شود.

در خصوص ارتباط اعتماد در حوزه خصوصی و فساد باید چنین گفت که این نوع اعتماد در ارتباط با انگیزه های شکل دهی رفتار افراد بوده و هر اندازه سطح اعتماد خصوصی در روابط بین افراد بالاتر باشد؛ امکان رخداد پدیده ی فساد بین آنها بالاتر خواهد رفت. چراکه موفقیت عملیات و رفتارهای فاسد و در بین کارگزاران و مشتریان بخش عمومی بدلیل ماهیت پنهان و البته غیرقانونی آنها، تابعی از وجود یک میزان اعتماد بین عوامل درگیر

فوکویاما هم به تاثیر فرسایش سرمایه اجتماعی بر انحراف اشاره کرده اند. بر این اساس وقتی تعلق اجتماعی افراد نسبت به جامعه سست می شود و فرد به سمت سرمایه اجتماعی درون گروهی گرایش می یابد منافع فردی بر منافع جمع مقدم می شود. در این وضعیت است که قواعد اجتماعی که مبتنی بر منافع جامعه برای حفظ نظم اجتماعی تعریف می شود از طرف افراد نادیده گرفته می شود و قانون گریزی به پدیده ای معمول در جامعه تبدیل می شود. ضعف سرمایه اجتماعی برون گروهی یا فرسایش سرمایه اجتماعی زمینه را برای تخطی از قانون در جامعه فراهم می کند. بر این اساس تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین فرسایش سرمایه اجتماعی و قانون گریزی در شهر تهران کی پردازد. این که آیا پیوندهای برون گروهی عینی ضعیف (فردگرایی افراطی و روابط غیر رسمی) و پیوندهای برون-گروهی ذهنی ضعیف (بی اعتماد مدنی و عام) بر رفتار قانون گریزی (رانت خواری) تاثیر دارد؟

چارچوب نظری

امروزه رانت به عنوان یک مانع ابتدایی و اولیه در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بالاخص در کشورهای در حال توسعه مطرح شده است. علیرغم وجود دیدگاهی که موید تاثیرات مثبت رانت است، تصویر کلی از این پدیده توأم با محکومیت گسترده وجود رانت در جوامع همراه است. با پذیرش این دیدگاه، لزوم اجرای سیاست های مقابله با فساد نیازمند شناخت و درد صحیح از طبیعت این پدیده، ساختارها و مولفه های نهادی آن است. درد و شناخت صحیح این پدیده اما، نیازمند تحلیل در جنبه های شکل گیری و اثرگذاری آن بوده و از آنجایی که این پدیده به عنوان نتیجه رفتار انسان نفع طلب شخصی و مطابق با طبیعت نفع طلبی انسان گره خورده است؛ هر نوع تحلیل را بدون توجه به چارچوب نهادی و انسان شناختی عقلی و فاقد قدرت توضیح دهندگی خواهد گذاشت.

ورود این مفاهیم اجتماعی و انسان شناختی به مباحث اقتصادی البته ریشه ای تاریخی داشته و اصولاً بررسی متغیرهای اقتصادی بدون توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن جامعه نمی تواند برون داد قابل قبولی را ارائه دهد. تحلیل موضوع رانت نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود و لازم است تا حد ممکن این چارچوب های انسان شناختی در تحلیل رانت وارد شود. در این تحقیق عوامل اجتماعی موثر بر رانت در چهار مفهوم اعتماد، نظارت اجتماعی، فردگرایی، نوع روابط و سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

رانت و اعتماد اجتماعی

در سالهای اخیر مفهوم اعتماد در مباحث بخش عمومی وارد شده و طبیعتاً ارتباط آن با پدیده ی رانت و فساد نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. اعتماد یک مفهوم کلیدی برای تسهیل روابط اجتماعی و اقتصادی بین عوامل بوده و شکل گیری مبنای تئوری قرار داد در

4. Amoral Familism
5. Fukuyama

1. Generalized Trust
2. Particularistic Trust
3. Banfield

اعتماد اجتماعی و عمومی دارند؛ استفاده می شود. با این حال، اهمیت این متغیرها اغلب وابسته به نوع داده ها، نمونه ها، و مشخصات متنوع این پدیده ها است و علاوه بر آن هر کدام از این متغیرها دارای ارتباط های بسیار نزدیک و مرتبط با یکدیگر بوده به صورتی که شناسایی و تحلیل جهت اثرگذاری آنها بر روی ایجاد اعتماد عمومی چندان ساده نیست. به عنوان مثال، توسعه اقتصادی ممکن است به عنوان نتیجه اعتماد اجتماعی تحلیل شده و یا خود به عنوان دلیل ایجاد آن باشد. دموکراسی و اعتماد عمومی و اجتماعی به شدت با یکدیگر در ارتباط هستند و طبیعی خواهد بود که در کشورهایی با ساختارهای دموکراتیک در مقابل دولت های سرکوبگر سطح اعتماد عمومی بالاتر است.

رابطه تجربی بین اعتماد عمومی و فساد از دیدگاه کلان در سال های اخیر موضوع مطالعات متعددی بوده و برای مثال اوسلانر (۲۰۰۴)، پالدام (۲۰۰۸)، نانستاد (۲۰۰۸) و بیورنسکوف (۲۰۰۷) به این موضوع پرداخته اند.

اوسلانر (۲۰۰۴) این فرضیه را مورد آزمون قرار می دهد که در جوامعی که در سطوح بالای اعتماد عمومی طبقه بندی می شوند، فساد کمتر بوده و کارکردهای دولت نتایج بهتری را ایجاد، و رشد اقتصادی بالاتری ثبت می شود. همچنین سیاست های بازتوزیع درآمد عملکرد بهتری داشته و احترام و رعایت قوانین در بین شهروندان دارای پذیرش بیشتری است. او بیان می کند که عدالت و گسترش آن در ابعاد مختلف رویه ای را تشویق می کند که در نهایت اعتماد اجتماعی را تقویت و باعث بازسازی رابطه ی اعتماد با عدالت می شود.

پالدام (۲۰۰۸) صداقت و بازخورد آن اعتماد را از نگاه خانوار، یک کالا با کشش درآمدی بالامعرفی می کند که تقاضا برای آن با سطح درآمد افزایش می یابد. از بعد بنگاه، صداقت به عنوان یک ابزار ذخیره ی زمان تلقی می شود که همراه با ثروتمند شدن جوامع و گسترش فضای رقابتی فعالیت های اقتصادی در تعاملات بین بنگاه ها با یکدیگر، به شدت مورد نیاز خواهد بود. پالدام با استفاده از داده های پیمایش ارزش جهانی، یک رابطه معنی دار را درباره ارتباط بین اعتماد عمومی و تولید ناخالص داخلی سرانه و میزان رضایت مندی از زندگی تعریف می کند. نتایج بدست آمده نشانه ای برای این تحلیل است که میزان فساد بالا و یا سطوح اعتماد پایین در عرصه ی عمومی، می تواند فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی را تهدید نماید. در مقابل ابعاد و پیامدهای توسعه و مشخصا توجه بیشتر به فعالیت های مقابله با فساد می تواند وضعیت اعتماد عمومی را بهبود بخشند.

پالدام در این مطالعه نظریه عقلانی بودن اعتماد را در جوامع مختلف مورد آزمون قرار می دهد و وجود ارتباط معنی دار آماری بین اعتماد در عرصه ی عمومی، تولید ناخالص ملی سرانه و احساس رضایتمندی از زندگی را تایید می کند. در این مطالعه همچنین این نتیجه گیری نیز بیان می شود که فساد بالا و کاهش درجه ی اعتماد

در آن رفتار است. بنابراین شرایط لازم برای رخداد یک مبادله فاسد وجود ارتباط خاص توأم با اعتماد بین دو طرف قرارداد به گونه ای است که، این اعتماد بین آنها وجود داشته باشد که از اطلاعات و دانسته های یکدیگر و میزان توافق های قبلی بر علیه یکدیگر استفاده نمی نمایند (۲۲).

رابطه ی شکل گرفته بین عوامل برای انجام یک مبادله ی غیرقانونی همراه با درصدی از احتمال برای طرفین در خصوص پایبندی و اعتماد به طرف مقابل برای رعایت و انجام وظایف توسط طرف دیگر است. به طور مثال اعتماد شخص الف به شخص ب به طور معمول نشان دهنده تجربیات گذشته مبتنی بر رفتارهای آن فرد خواهد بود. از آنجایی که اعتماد می تواند هر دو جنبه ایجاد فایده یا تحمیل هزینه را به دنبال داشته باشد؛ فرد اول از تمام اطلاعات موجود پیرامون وضعیت فرد دوم استفاده می نماید که شامل امانت داری (قصد و تلاش برای رعایت و عمل به وعده ها و تعهدات)، شایستگی و قابلیت (توانایی برای دستیابی و تولید نتایج وعده داده شده) و در نهایت رعایت انصاف (انجام رفتار مشابه و برابر، مستقل و بی طرفانه در موارد مشابه) می شود.

طبیعی است که امکان دستیابی به این اطلاعات بدون تحمل هزینه و زمان برای اکثریت قریب به اتفاق مردم وجود نخواهد داشت و از این رو نمی توان به سادگی در خصوص امکان اعتماد افراد به یکدیگر تصمیم گیری کرد. بنابراین، اعتماد یک فرد به سایر افراد منعکس کننده و برآمده از تجربه های مستقیم و غیرمستقیم آن فرد در ایجاد اعتماد به افراد و گروه های دیگر خواهد بود.

حوزه تحلیل اعتماد عمومی روابط غیر شخصی افراد بوده و با توجه به تحقیقات اخیر، اعتماد اجتماعی و یا تعمیم اعتماد فردی به حوزه ی عمومی، هزینه های معاملاتی را به شدت کاهش داده و در نتیجه می تواند به رشد اقتصادی از طریق حل مشکلات مربوط به کنش جمعی، تسهیل فعالیت های مدنی، و ایجاد شرایط برای عملکرد بهتر دولت ها کمک کند. همچنین، وجود و گسترده شدن اعتماد، حائلی خود ایجاد داشته و اعتماد بیشتری تولید می کند. به عنوان مثال اگر این تفکر ایجاد شود که سهم بالایی از مردم از پرداخت حقوق قانونی مانند مالیات ظفره می روند، این تلقی باعث شکل گیری نوعی احساس ناخودآگاه برای سایر افراد می شود که آنها نیز این رویه را دنبال نمایند.

ممکن است بسیاری از مطالعات تجربی به علل مختلف موثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی در سطح جامعه توجه کرده و آنها را معرفی نمایند، اما توضیحات موجود در قالب نظری بسیار ضعیف هستند و البته امکان انجام آزمون های تجربی در حوزه ی تحلیل پدیده ی مانند اعتماد چندان مقدور نخواهد بود. بر این اساس از سایر متغیرهای مرتبط با آن استفاده می شود. از توسعه اقتصادی، توانمندی و قدرت پایه های دموکراسی، توزیع عادلانه درآمدها، کنترل فساد، همگن بودن نژادی و قومی جوامع اغلب به عنوان مولفه هایی که سه قابل توجهی بر روی ایجاد روند مثبت ایجاد

تمایل به تشویق رفتار قابل اعتماد و همچنین اعتماد به دیگران بوجود خواهد آمد.

رانت و نظارت اجتماعی

بررسیهای تجربی نشان می دهد که وجود فساد در رده های میانی و پایین نظام اداری، تا حدود زیادی به میزان فساد در بین سیاستمداران و کارمندان عالی رتبه بستگی دارد. همچنین در یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده های میانی که مرتکب فساد اداری می شوند؛ کمتر نگران کشف جرم هستند چون غالباً درین مسوولین رده بالا و مدیران میانی، نوعی تباری برای چشم پوشی متقابل وجود دارد (۲۳).

مسأله ای مهم تر که به نظر می رسد فساد اداری را به عنوان یک مسأله پنهان نگه می دارد و در عین حال آن را به صورت هنجاری درمی آورد، تحت عنوان " نیروی هنجاری بالفعل" یا ایجاد شدن فرهنگ فساد در اداره ها قابل بیان و بررسی است که از جمله فرآیندهایی نام گرفته که کمک می کند تا مشکلات اجتماعی چون فساد پنهان بمانند. این تعبیر در ابتدا توسط گئورگ پل اینیک، حقوقدان آلمانی مطرح شده است. تحلیل وی در این عبارت، اشاره به این حقیقت دارد که اعمال و رفتارهای اجتماعی، با هر اصل و ریشه ای این قابلیت را دارا هستند که به اعمالی تبدیل شوند که در یک دوره زمانی از نظر هنجاری توجیه لازم را داشته باشند.

این گونه مشروعیت بخشی به آنچه که در جامعه رایج بوده و یا گسترش می یابد، وضعیتی را پدیدار می نماید که در آن سعی خواهد شد تا از درد شرایطی که در حقیقت با ارزشهای اصلی اکثریت مردم جامعه مغایر است، جلوگیری شود (۲۴).

غالباً این فرآیند، یعنی هنجار شدن و توجیه هنجاری در سطحی کلان یعنی در جامعه عمل می کند، اما در سطح خرد، یعنی در خود سازمان نیز این توجیه هنجاری دارای قدرت اثر گذاری است. شاید بهترین توجیه برای این قضیه قانون گرشام باشد. قانون گرشام (پول بد پول خوب را از گردش خارج می کند) در مورد رانت نیز می تواند صادق باشد. به این تعبیر که می توان گفت اشخاص سوء استفاده گر فاسد در درون سازمان یا اداره، اشخاص صادق و درستکار را از بازار بیرون می رانند. با گسترش مولفه ها و موارد و مصداق های فساد و مشاهده تاثیر آن در درآمد و سطح زندگی طرف های درگیر در آن، اکنون افراد صادق و درستکار نیز سوسه و حتی ناگزیر می شوند که در مقابل سوسه های ارتکاب اعمال فاسد مالی سرتعظیم فرو آورده و توجیهی می شود که در این اجتماع جایی برای افراد درستکار وجود نداشته و زنده ماندن و ادامه زندگی از راه راست و با درستکاری میسر نباشد (واقعیت که به وجود می آید، در ذهن همه مردم جامعه وجود دارد و جای می گیرد و به عنوان یک زمینه مستعد عمل می نماید). این وضعیت را می توان با تعبیری که «سن» مطرح کرده یعنی «پارادوکس انزوا» توصیف و تبیین نمود (۲۵).

عمومی در جوامع هر دو می تواند بر روی سطح تولید و توسعه کشورها اثر بگذارد. با این حال، جهت رابطه ی علی بین فساد، اعتماد عمومی و توسعه ی اقتصادی و اجتماعی همچنان مبهم باقی مانده است.

پالدام (۲۰۰۸) استدلال می کند که مسیر اثر گذار اصلی از اعتماد عمومی به سمت فساد است و بر اساس اصل این که هر چیز به چیز دیگری وابسته است نمی توان به صراحت در خصوص جهت رابطه علی بین فساد و اعتماد عمومی صحبت کرد. اما این موضوع را با صراحت می توان بیان نمود که کشورهای دارای سطوح اعتماد عمومی پایین تر دارای فساد بالاتر و رشد و توسعه ی اقتصادی ضعیف تری هستند. بنابراین، سطح پایین اعتماد تعمیم یافته در جامعه و در سطح عمومی، از بروز و تداوم فساد پشتیبانی می کند. نکته قابل توجه این است که در بسیاری از این نوع مطالعات، جهت رابطه علی بین فساد و اعتماد عمومی و سلامت نظام اقتصادی چندان واضح و شفاف نیست؛ اما می توان بیان کرد که در کشورهایی با درجه نسبی محدود اعتماد عمومی، امکان وقوع فساد بالاتر و وضعیت ضعیف تر اقتصادی متصور خواهد بود.

سلیگسون (۲۰۰۲) نشان می دهد که نظرسنجی ها از چهار کشور آمریکای لاتین در سطح فردی، نشان داده که در معرض اشکال مختلف پدیده فساد قرار گرفتن نه تنها کارائی اعتماد به نظام سیاسی را به شدت تحلیل می برد، بلکه اعتماد بین افراد در جامعه را نیز کاهش می دهد.

تفاوت در نژادها، پراکندگی زبانی و حتی مذهبی نیز می توانند به عنوان عواملی که بر روی سطح فساد و همچنین میزان اعتماد عمومی موثر باشند مورد تحلیل قرار گرفته اند. آلسینا و لافرازا (۲۰۰۲) استدلال می کنند که ایجاد روابط مثبتی بر اعتماد بین گروه ها و یا افراد مشابه از نظر قومی و قبیله ای بسیار آسان تر از اعتماد به افراد یا گروه هایی است که از لحاظ درآمد، نژاد، قومیت، و ... فاقد وجوه اشتراک یکسان هستند. این نتایج تا حدی در میان بسیاری از محققان و سیاست گذاران، به ویژه کسانی که طرفدار تنوع فرهنگی و استقرار دولت های رفاه بوده اند، نگرانی ایجاد می کند. چراکه وجود اعتماد اجتماعی اغلب به عنوان پیش فرض و پشتیبان لازم دولت رفاه تلقی می شد و البته این تنوع قومی و فرهنگی از طریق محدود نمودن عرصه اعتماد عمومی به سطح اعتماد بین گروهها و نژادهای یکسان، حتی ممکن است ابعاد دولت رفاه را نیز به خطر اندازد.

این وضعیت معادل با شرایطی است که پیرس (۲۰۰۲) آن را معضل یا معمایی پیشرفت نامیده است. در نظریه های جدید مربوط به اعتماد اجتماعی، توضیح و توجه بر مفهوم " انصاف" و رفتارهای متقابل به عنوان مولفه هایی دیگر از پدیده اعتماد نشان می دهد که در جوامعی که معیارهای انصاف مانند عدالت توزیعی، دارای توجه بیشتری بوده و رعایت می شوند، رویه ای رسمی مبنی بر

گونه ای که هنجارهای خصوصی ارزش تفسیری بالاتری نسبت به هنجارهای عمومی داشته باشند.

هنجارهای خصوصی نه قابلیت تدوین و طبقه بندی داشته و نمی توان آنها را به صورت مستقل از وضعیت‌های خاص و مستقل از افراد مورد بررسی قرار داد. هنجارهای شخصی تا حد زیادی به خود افراد و یا لایه ها و اقشار اجتماعی بستگی دارند. در مقابل هنجارهای عمومی حداقل در جوامع غربی قابلیت تدوین و طبقه بندی داشته و تا حد زیادی مستقل از افراد و وضعیت های درگیر می باشند. این هنجارهای عمومی به عنوان نهاد و قواعد بازی و تدوین کننده ی روابط طراحی شده‌اند و در اشکال مختلف و توسط نهادهای دارای قدرت حفاظت می شوند و طبیعی است که این حفاظت به مقدار قابل توجهی از منابع عمومی نیاز دارد.

هنجارهای خصوصی و عمومی به دلیل حوزه اثرگذاری و ارزش گذاری دارای نمونه ها و موارد متفاوتی خواهند بود و با توجه به مطالعه شواپتزر در جوامع غربی، هنجارهای عمومی دارای اولویت و برتری بر هنجارهای خصوصی بوده و این موضوع در جوامع در حال توسعه یا در حال گذار بر عکس است.

با توجه به نظر شواپتزر سه نوع قدرت نظارتی و اعتباردهی برای هنجارها وجود دارد که شامل خویشاوندان، اقوام و دوستان، مردم و دولت هستند. با وجود این سه گروه اثرگذار و بسته به شدت و ضعف توان اثرگذاری و محدود نمودن رفتار عوامل، این امکان می تواند وجود داشته باشد که افراد در موقعیت های مختلف رفتارهای متفاوتی را از خود نشان دهند.

سلسله مراتب سازمانی، وجود تفسیرهای ذهنی از هنجارهای عمومی و تضاد در منافع و اهداف، ممکن است منجر به انسداد و اعمال مانع برای مشارکت گروه های خاص جامعه شود و اعضای این گروه ها را به اتخاذ ابزارهای تکنیکی قدرتمند برای رسیدن به اهداف خود ترغیب نماید حتی اگر این ابزارهای غیرقانونی باشند، شواپتزر نتیجه می گیرد که احتمال رخداد فساد در وابستگی به ساختارهای اجتماعی پنهان بوده و انتظار می رود که پدیده ی فساد و ابعاد آن در شرایط زیر گسترش یابد. ابهام در وضعیت هنجاری موقعیتها، انتظار کسب منافع بالقوه ی بسیار زیاد، تعداد بسیار اندک موقعیت های جایگزین و نسبت اندک هزینه های فعالیت فاسد به منافع و دستاوردهای آن چهار وضعیتی هستند که می تواند باعث شکل گیری پدیده ی فساد و رانت شود.

رانت و سرمایه اجتماعی

بالغ شدن میزان و اندازه فساد به یک سطح مشخص باعث خواهد شد تا مقابله با آن به شدت سخت شده و حتی از بین بردن آن را غیر ممکن سازد. از طرف دیگر فساد پدیده ای است که دارای ماهیتی خود ایجاد می کند که می تواند فاسد کند. فراگیر شدن ابعاد و اشکال فساد در جوامع مواجهه و مقابله با آن را به شدت دشوار نموده و شرایطی را پدیدار می سازد که فساد را به یک

در زمینه بحث حاضر چنین فرض می شود که:

همه یا بخش قابل توجهی از اعضای جامعه چنین می اندیشند که صرف نظر از درستکاری یا نادرستی دیگران، خودشان به منزله افراد، با نادرستی اوضاع بهتری خواهند داشت.

در صورتی که بتوان بین دو شق همه درستکار و یا همه نادرست یکی را انتخاب کرد، اشخاص فکرمی کنند اگر درستکار باشند از وضعیت بهتری برخوردار خواهند بود.

بنابراین در صورت عدم تبانی بین اعضای اجتماعی از لحاظ بهینگی به مفهوم پارتویی، نتیجه عبارت خواهد بود از انتخاب حالت پست تر که به منزله ی انتخاب نادرست توسط همه افراد است. بنابراین افراد می توانند با تبانی وضع بهتری داشته باشند، اما تحقق این امر بدون اجبار محتمل نیست.

اما اگر فرض دوم به صورت زیر اصلاح شود که هر فردی ترجیح می دهد درستکار باشد، به شرط آن که دیگران نیز به همین شیوه عمل کنند. از این رو، فرض یک بدون تغییر می ماند. در این موارد، این باور که دیگران درستکارند حائز اهمیت است. اگر بتوان این باور را ارتقاء داد می توان روند پیوستن مردمان صادق را به جرگه فاسدان متوقف نمود. این همان چیزی است که آمارتاسن آن را «پارادوکس اعتماد و اطمینان» نامیده است. نبود این اطمینان و اعتماد می تواند از جمله علل و عوامل مهم گسترش فساد باشد.

ادله ی متعددی را می توان برشمرد که سطح فساد ممکن است همزمان با فرآیند قدرتمند توسعه اقتصادی با کاهش روبرو شود و این موضوع می تواند در قالب استفاده از نظریه ی ننگ اجتماعی تبیین شود.

نظریه ننگ اجتماعی چنین تحلیل می کند که مخالفت و یا نارضایتی از عملکرد یک فرد که از هنجارها و اصول پذیرفته شده اجتماعی و فرهنگی جامعه عدول می کند، توسط سایر افراد آن جامعه به گونه ای پاسخ داده می شود که باعث متمایز شدن و مشخص شدن آن فرد از بقیه شود.

اکپو (۱۹۷۹) استدلال می کند که در جوامع سنتی، که در آن ارتباط بین دولت و بخش خصوصی دارای شفافیت های کمتری است و به عنوان مثال امکان تفکیک بین تعبیه‌هایی مانند هدیه دادن با رشوه به وضوح میسر نمی باشد، سطح ننگ اجتماعی ممکن است به مراتب پایین تر باشد. نکته قابل ذکر این است که تلاش برای اعمال هنجارهای سنتی در اقتصاد های مدرن و پیچیده یکی از مهمترین مسایلی است که اقتصاددانان با آن روبرو هستند.

آشام (۱۹۸۱) تعریف نسبتاً متفاوتی از فساد را ارائه می دهد که در آن فساد به عنوان اقدامی تعبیر می شود که برخلاف انتظارات هنجاری جامعه و برای منافع شخصی به ضرر سایر گروه های مردم رخ می دهد. بر اساس دیدگاه شواپتزر (۲۰۰۴) فساد زمانی پدیدار می شود که حوزه ی کارکرد هنجارهای خصوصی و شخصی افراد با حوزه کارکرد هنجارهای عمومی مخلوط شود، به

3. Acham

1. Social Stigma

2. Ekpo

برخی از دیدگاه های مطرح در زمینه سرمایه اجتماعی را در خصوص ایران به آزمون گذاشته است. این مقاله در حوزه میان رشته ای علوم سیاسی، اجتماعی و اقتصاد تدوین شده و روش اساسی در انجام آن روش ترکیبی (کمی و کیفی)، روش پیمایشی، تحلیل ثانویه و مطالعات اسنادی است. روش پیمایشی، روش اساسی گردآوری و تحلیل داده های بیشتر اطلاعات این تحقیق است. در این روش از ۵۰۰ نفر (صد نفر از نمونه ها شامل مراجعه کنندگان به مناطق شهرداری و پاسخ های دریافتی از درب منازل هستند که به صورت خوشه ای و چند مرحله ای انتخاب شده اند) از پاسخ گویان که به صورت نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند، خواسته شد تا به تعدادی از پرسش ها پاسخ دهند.

در جمع بندی یافته های این تحقیق و بر مبنای داده های تحلیل می توان گفت که از میان عوامل متعدد تأثیرگذار بر فساد اداری در ایران، متغیرهای خاص گرایي در محیط اجتماعی ایران، سرمایه منفی اجتماعی به معنی هنجارهای منفی حاکم، نبود جدیت لازم در نهادهای نظارتی ایران و ترس به جای وجدان از عوامل اصلی می باشند. اما اینکه کدام یک بیشترین تأثیر را بر فساد اداری و به عبارتی در عدم همکاری مردم برای مبارزه با فساد داشتند، یا باعث بیشترین بی اعتمادی به راه ها و رویه های قانونی شده اند، باید توضیح داد که در میان متغیرهای موجود، عدم جدیت نهادهای نظارتی و خاص گرایي و سرمایه منفی اجتماعی، بالاترین تأثیر را در جری شدن کارمندان خاطی و نیز بی اعتمادی مردم به رویه های قانونی و یا عدم همکاری برای رفع فساد داشته اند. نتایج تحلیل های آماری انجام شده نشان دادند که سرمایه اجتماعی با وجه بیرونی سازی مفراطی، می تواند به جای آنکه به عنوان عاملی برای توسعه عمل نماید، به معضلی برای توسعه تبدیل شود. خانواده سالاری، قوم و خویش پرستی و فامیل خواهی نمونه هایی از سرمایه منفی اجتماعی هستند که در نمونه ایران قابل رؤیت می باشند. به عبارتی، مشاهده این مسائل در ایران توسط مردم، باعث بی میلی و عدم تمایل آنها به همکاری برای مبارزه با فساد و بی اعتمادی به رویه های قانونی می شود.

متغیرها و مدل مفهومی تحقیق

با توجه به مبانی نظری، مدل مفهومی این تحقیق از مؤلفه هایی به شرح زیر تشکیل شده است:

هنجار عمومی تبدیل می کند. گسترده شدن و سرایت فساد و اشکال آن در جامعه به صورت معنی داری با ماندگاری این پدیده در ارتباط خواهد بود. این رفتارهای فاسد قابلیت دارند تا تبدیل به رفتارهای تعادلی در قالب هنجار و یا قاعده اجتماعی شوند. به نظر می رسد نتیجه ی تحلیل نهادی فساد و اثرات آن بر ساختار اقتصادی و اجتماعی می تواند شکل گیری نهادی جدید با عنوان فساد شود که دارای کارکردهای خاص خود است. این تعبیر در رابطه ی بین فساد و اعتماد و فساد و هنجارها تبیین شد و می توان گفت که در یک نگاه عمومی تر فساد بر روی اجزا و ابعاد سرمایه انسانی به عنوان یک شبکه ی نامرئی از ارتباطات و مناسبات بین افراد اثر می گذارد.

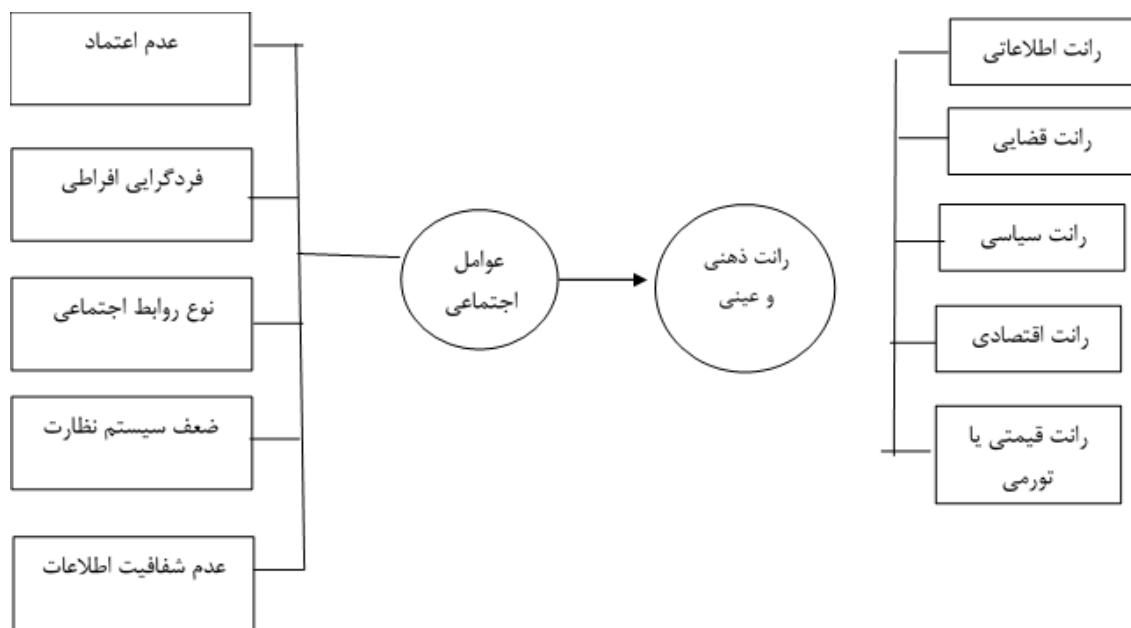
مفهوم سرمایه انسانی دارای همبستگی شدیدی با اعتماد عمومی است. بر اساس دیدگاه پوتنام (۱۹۹۳) واژه ی سرمایه اجتماعی ترکیبی از سه حوزه اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی است و پالدام سرمایه اجتماعی ترکیبی از سه حوزه اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی است و پالدام (۲۰۰۵) سه تعریف برای سرمایه اجتماعی ارائه می کند که در آن سرمایه اجتماعی شامل توانایی افراد جامعه برای همکاری و مشارکت با یکدیگر، ظرفیت و چگالی و تراکم شبکه های اجتماعی و اعتماد تعمیم یافته یا عمومی است.

کلمن (۱۹۸۸)۳ سرمایه اجتماعی را به صورت الزامات و انتظارات، کانالهای ارتباطاتی و هنجارهای اجتماعی تعریف می کند. مشکلاتی که فساد برای سرمایه اجتماعی می تواند بوجود آورد، تا حد بسیار زیادی شبیه به رابطه ی بین اعتماد و فساد است. اگرچه هنوز در خصوص جهت اثرگذاری این دو پدیده بر روی یکدیگر اتفاق نظری وجود ندارد اما به رغم آن، بیورنسکوف (۴) نشان داده که ابعاد سرمایه ی اجتماعی و مولفه های فساد با یکدیگر و در یک جهت حرکت می کنند. بنابراین شبیه به بخش های قبلی به طور خلاصه، میزان نسبتاً پایین سرمایه اجتماعی منجر به سطح نسبتاً بالایی از فساد و سطوح بالای فساد با سطوح پایین اجتماعی در جوامع باقی می ماند.

خلف خانی (۱۳۸۹) معتقد است که فساد ضمن اینکه ریشه در خود نهادها دارد، از عوامل و محیط اجتماعی نیز تأثیر می پذیرد. لذا او بر اهمیت تأثیرگذاری فرهنگ و اجتماع و به ویژه سرمایه های اجتماعی بر توسعه فساد اداری متمرکز شده و در این راستا،

3. Coleman
4. Bjornskov

1. Putnam
2. Paldam



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

از رفتار است که از قانون گریزی دائمی خشن و شدید مثل سرقت و قتل قانون گریزی غیر خشن و ضعیف مثل ندادن مالیات و عبور از چراغ قرمز را در بر می گیرد. آنچه که مسلم است این است که همه افراد به نوعی مرتکب قانون گریزی از نوع دوم قانون گریزی نرم می شوند که در این تحقیق این نوع قانون گریزی مد نظر قرار دارد.

در واقع رانت خواری و رانت جویی به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق قلمداد می شود که بر اساس مولفه های زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

مولفه نگرش عاطفی شامل هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوع؛ خصوصاً ارزیابی های مثبت و منفی است. مولفه رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوع است. مولفه شناختی نیز شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاصی دارد شامل دانش و اطلاعات و حقایق.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این تحقیق عبارتند از:

متغیرهای زمینه ای

در این تحقیق علاوه بر آزمون مدل تحقیق به بررسی روابط بین متغیرهای زمینه ای رو رانت خواری هم پرداخته شده است. این متغیرها عبارتند از: سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، نوع شغل و وضعیت اقتصادی.

عدم اعتماد

اعتماد را می توان به عنوان اطمینان به اعتماد پذیری یک شهر یا نظام با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف کرد. در آنجا که این اطمینان، ایمان به صداقت و عشق به دیگری و یا صحت اصول انتزاعی را بیان می کنند. در حقیقت اعتماد به نوعی حسن ظن به دیگران است که از طریق ارتباط اجتماعی حاصل می شود. عدم اعتماد از سوء ظن فرد به دیگران است که می تواند بر

متغیرهای تحقیق

بر اساس مدل تحلیلی تحقیق، متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق حاضر عبارتند از:

متغیر وابسته

در این تحقیق رانت خواری به عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده است. رانت خواری در این تحقیق به دو بعد رانت خواری ذهنی و رانت خواری عینی تقسیم می شود. فرض بر این است که رفتار رانت خواری تحت تاثیر نگرش رانت جویانه ذهنی است. با این توضیح تعریف دو نوع رانت خواری به شرح ذیل است:

رانت خواری ذهنی

رانت خواری ذهنی نوعی جهت گیری و نگرش نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن فرد عدم پیروی از این هنجارها را بر پیروی ترجیح می دهد. رانت خواری ذهنی نوعی ارزیابی از فایده به عدم فایده مندی اطاعت از قانون است. در حقیقت نوع جهت گیری به قانون است که نه فایده عدم اطاعت از قانون را به اطاعت از آن ترجیح می دهد و این جهت گیری را تحت تاثیر شرایط محیطی اتخاذ می کنند. باید توجه داشت تا فرد ارزیابی منفی از قانون گرایی نداشته باشد رانت خواری نمی کند. وقتی فرد می بیند که در جامعه قانون گریزی رواج دارد و از طریق قانون گریزی (رانت خواری) بهتر می شود به اهداف خود رسید فایده ای برای قانون مندی نمی بیند.

۲- رانت خواری عینی

رانت خواری عینی همان انجام رانت خواری و رانتجویی در عمل است. در حقیقت رانت خواری رفتاری است که از مخالفت قوانین رسمی جامعه انجام و رانت خواری و رانت جو کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می گیرند بنابراین رانت خواری یک طیفی

کنند. این مساله نشان می دهد که افراد در فضای اجتماعی با هم مرتبطند. انواع روابط رسمی و غیر رسمی را می توان پیوندهای عینی سرمایه اجتماعی در نظر گرفت. در این تحقیق روابط به دو صورت مورد آزمون قرار گرفت:

الف- روابط رسمی مدنی

این نوع روابط اشاره به پیوند و ارتباط فرد با گروههای اجتماعی و رسمی جامعه دارد. این نوع سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد میان افراد در میان گروههای مختلف در جامعه است. در حقیقت در اینجا افراد با دیگرانی از بیرون گروه خود بر اساس منافعشان رفتار متقابل می کنند. به همین خاطر به آن سرمایه اجتماعی برون گروهی هم می گویند این دیگران همان انجمنها و نهادها و تشکلهای رسمی و مدنی جامعه است که فرد با آنها رابطه داشته و یا در آنها عضو می باشد. هرچه فرد روابط مدنی بیشتری با جامعه داشته باشد پای بندی بیشتری نسبت به هنجارهای اجتماعی داشته و کمتر قانون را نادیده می گیرد. اما روابط مدنی ضعیف به معنای پیام خیلی ضعیف با جامعه بوده که طبعاً شرایط را برای انحراف افراد از قوانین و رانت خواری در جامعه فراهم می کند.

ب- روابط غیر رسمی

این نوع روابط اشاره به پیوند فرد با شبکه های خانوادگی و خویشاوندی دوستی و محلی دارد. در حقیقت روابط غیر رسمی اشاره به سرمایه اجتماعی درون گروهی افراد در جامعه دارد. این نوع سرمایه اجتماعی با رانت خواری رابطه مستقیم دارد.

فرضیه ها

فرضیه اصلی:

به نظر می رسد بین فرسایش سرمایه اجتماعی و رانت خواری در ادارات کل استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

بین متغیرهای زمینه ای و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

بین عدم اعتماد و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

بین فردگرایی و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

بین نوع روابط رسمی و غیر رسمی و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

مواد و روش ها

روش پژوهش حاضر مبتنی بر رهیافت کمی و به صورت پیمایشی است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. از نظر هدف، پژوهش حاضر، کاربردی، مقطعی، توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه مدیران میانی ادارات کل استان مازندران است که ۳۷۸ نفر از آنها در این مطالعه شرکت کردند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کرجسی و مورگان برآورد شد و شیوه نمونه گیری تصادفی ساده بوده است. گویه های پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت مبتنی بر مقیاس رتبه ای بر بازه دامنه ۱ تا ۵ در بین پاسخگویان توزیع شده

رفتار انحرافی قانون گریزی تاثیر مستقیم داشته باشد. در این تحقیق دو نوع بی اعتمادی مد نظر قرار دارد:

الف- عدم اعتماد تعمیم یافته

اعتماد تعمیم یافته هر حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنان به گروههای قومی و یا خودی است. این نوع اعتماد از محدوده اعتماد بین فردی فراتر رفته و جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند را در بر می گیرد. این نوع اعتماد همان اعتماد به غریبه هاست. عدم اعتماد تعمیم یافته هم به معنی سوء ظن نسبت به افراد جامعه در زمینه پیروی از قانون است. هرگاه افراد و مردم جامعه در زمینه اطاعت از قانون اعتماد نداشته باشند، خود نیز تمایلی در اطاعت از قانون نشان نمی دهند. در حقیقت عدم اعتماد به دیگران و عدم اطمینان به افراد دیگر جامعه بخصوص در زمینه اطاعت از قانون موجب گرایش یا عمل افراد به قانون یا قانون گریزی و رانت خواری می شود.

ب- عدم اعتماد مدنی

عدم اعتماد مدنی همان اعتماد به سازمانها و نهادهای موجود در جامعه است و عدم اعتماد در این تعبیر به معنی عدم اعتماد به سوء ظن نسبت به مجریان قانون و قانون گذاران در رابطه با اطاعت از قانون است. بی اعتمادی افراد به نهادها و ماموران دولتی بر رفتار آنان در زمینه اطاعت از قانون تاثیر منفی دارد. در اینجا اعتماد مردم بیشتر به افرادی که اختصاصاً در ارتباط با قانون گذاری و اجرای قانون هستند مدنظر می باشد. از این میزان بی اعتمادی پاسخگویان به پلیس و نیروی انتظامی، قضات دادگاهها، مدیران دستگاههای دولتی و نمایندگان مجلس، کارکنان ادارات دولتی، کارکنان نهادهای نظارتی دیوان محاسبات، بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری مورد پرسش قرار می گیرد.

فردگرایی

فردگرایی افراطی به معنای ترجیح نفع شخصی نسبت به نفع جمعی است. در این نوع فردگرایی فرد نفع خود را حتی به ضرر جامعه ترجیح می دهد. در این تحقیق فردگرایی به دو شکل مورد بررسی قرار گرفته است:

الف- پندار از فردگرایی در جامعه

فردگرایی در جامعه به معنی ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی در جامعه از منظر پاسخگویان است به عبارت دیگر پنداشت پاسخگویان از میزان فردگرایی در جامعه مورد سنجش قرار می گیرد. هرچه پاسخگویی آن افراد جامعه را فردگراتر بدانند این بر گرایش و عمل قانون گریزانه رانت جوینان و رانت خواران آنها تاثیر مثبت داشته و موجب قانون گریزی آنها می شود.

ب- فردگرایی افراطی فرد

فردگرایی افراطی فرد ترجیح نفع شخصی توسط فرد به ضرر منافع جامعه است. در این وضعیت فرد دچار نوعی خودخواهی می شود. در اینجا فردگرایی پاسخگو مورد سنجش قرار می گیرد. هرچه فرد فردگراتر باشد احتمال قانون گریزی و رانت خواری او بیشتر است. روابط اجتماعی

روابط اجتماعی یکی از شاخصه های سرمایه اجتماعی است. این روابط یعنی ساختار شبکه های عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط

است. ابزار اندازه گیری دارای اعتبار صوری است. پایایی پرسشنامه هم با استفاده از روش پیش آزمون و ضریب آلفای کرونباخ در حد مطلوبی به دست آمده است.

جدول ۱. پایایی ابزار تحقیق

میزان آلفا	فراوانی	تعداد آیتمها	پرسشنامه
۰/۷۸۴	۳۰	۶	رانت خواری ذهنی
۰/۸۲۱	۳۰	۱۹	رانت خواری عینی
۰/۷۹۱	۳۰	۵	فردگرایی
۰/۷۶۹	۳۰	۵	عدم اعتماد
۰/۸۱۵	۳۰	۵	نوع روابط اجتماعی
۰/۸۴۳	۳۰	۵	ضعف سیستم نظارتی
۰/۷۵۷	۳۰	۵	عدم شفافیت اطلاعات
۰/۸۲۱	۳۰	۵۲	کل پرسشنامه

پاسخگویان، کمتر از ۱۰ سال، ۲۲/۳ درصد ۱۱ تا ۱۵ سال، ۱۵/۳ درصد ۱۶ تا ۲۰ سال و ۱۲/۴ درصد بیشتر از ۲۱ سال سابقه کار داشتند.

بر اساس نتایج تحقیق، ۸۸/۹ درصد از مدیران میانی استان، میزان رانت خواری ذهنی و ۷۳/۵ درصد از آنان میزان رانت خواری عینی را در جامعه زیاد و بسیار زیاد برآورد کردند. علاوه بر این نتیجه نشان داد وضعیت شاخصهای فرسایش سرمایه اجتماعی از دیدگاه مدیران بسیار بالاست.

تحلیل استنباطی

نتیجه آزمون نرمالیت کولموگروف - اسمیرنوف (K-S) نشان می دهد توزیع جامعه نمونه از نوع نرمال است و آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای تطابق توزیع نمونه با توزیع نظری معنادار نمی باشد. به همین دلیل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیات تحقیق استفاده شد.

نتایج این جدول نشان می دهد میزان آلفای کرونباخ بیشتر از ۸۰ درصد به دست آمده است که نشان می دهد گویه های طراحی شده در پرسشنامه برای سنجش متغیرهای پژوهش مناسب است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار تحلیل آماری SPSS و لیزرل (Lisrel) انجام شد.

یافته ها

تحلیل توصیفی

یافته های پژوهش نشان داد ۷۳/۲ درصد از پاسخگویان، مرد و ۲۶/۸ درصد از آنها زن بوده اند. ۳/۵ درصد از پاسخگویان کمتر از ۳۰ سال، ۱۴/۲ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۴/۵ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال و ۴۷/۸ درصد بیشتر از ۵۱ سال سن داشتند. ۵/۳ درصد از پاسخگویان، دارای سطح تحصیلات دیپلم، ۱۲/۸ درصد فوق دیپلم، ۴۱/۲ درصد لیسانس و ۴۰/۷ درصد فوق لیسانس و دکتر بوده اند. ۵۵ درصد از

جدول ۲. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای تطابق با توزیع نرمال

نتیجه گیری	Sig	Z	متغیر
نرمال	۰/۲۲۱	۱/۰۴۹	رانت خواری
نرمال	۰/۷۰۴	۰/۷۰۵	فردگرایی
نرمال	۰/۵۸۹	۰/۶۱۴	عدم اعتماد
نرمال	۰/۰۹۹	۱/۱۶۱	نوع روابط اجتماعی
نرمال	۰/۶۹۱	۰/۴۵۶	ضعف سیستم نظارتی
نرمال	۰/۶۸۹	۰/۷۱۸	عدم شفافیت اطلاعات

آزمون فرضیات

جدول ۳. آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیات تحقیق

رانت خواری	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی داری (Sig)	تعداد نمونه
	فرسایش سرمایه اجتماعی	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰	۳۷۸

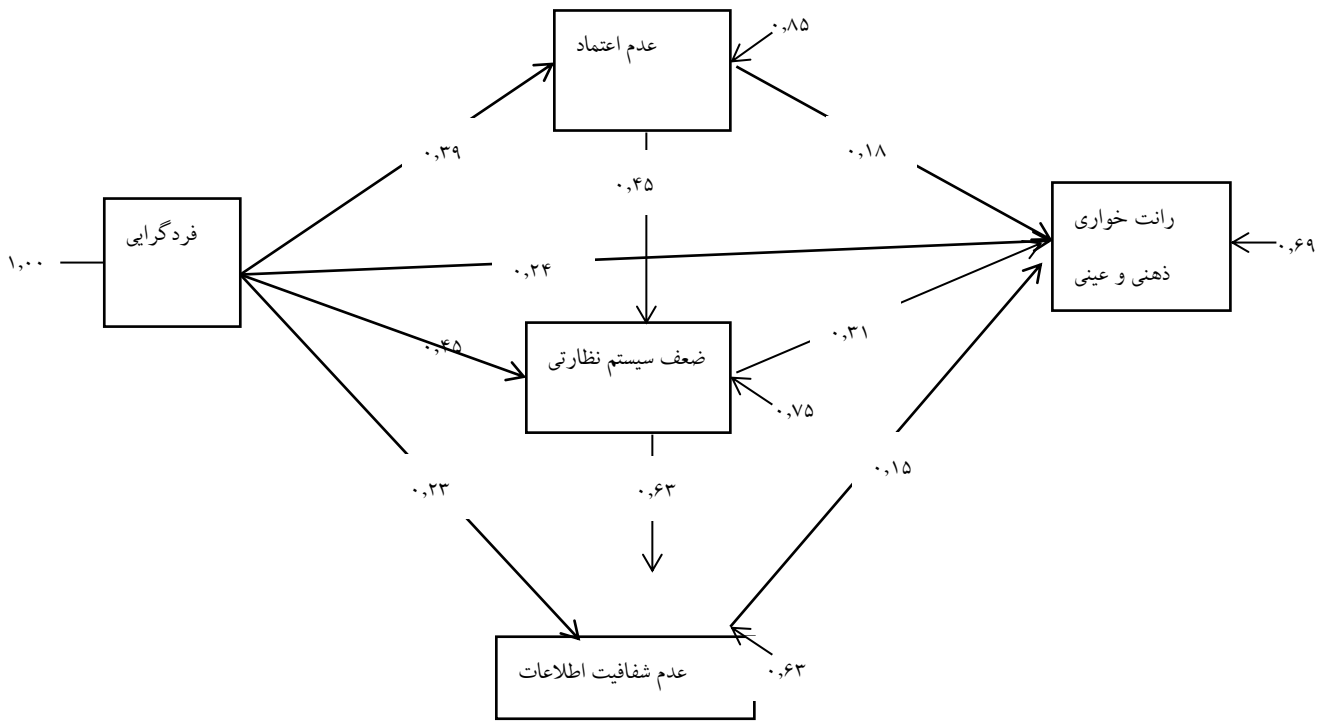
۳۷۸	۰/۰۰۲	۰/۲۸۶	عدم اعتماد
۳۷۸	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶	فردگرایی
۳۷۸	۰/۰۰۰	۰/۵۴۱	نوع روابط اجتماعی
۳۷۸	۰/۰۰۰	۰/۶۵۱	ضعف سیستم نظارتی
۳۷۸	۰/۰۰۰	۰/۷۸۷	عدم شفافیت اطلاعات

شده توسط داده‌های تحقیق در سطح مناسبی از نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده حمایت کرده و مدل مناسبی برای تبیین میزان رانت خواری محسوب می‌شود. زیرا اولاً مجذورخی مدل معنی دار نبوده و مقدار **RMSEA** نیز نزدیک صفر است. ثانیاً **AIC** و **CAIC** مدل نسبت به مدل‌های مستقل و اشباع مقادیر کمتری دارند. ثالثاً شاخصهای برازش نسبی و برازش مطلق در سطح مناسب و قابل قبولی هستند. مدل معادلات ساختاری برازش شده مدل مناسبی برای تبیین تغییرات رانت خواری ذهنی و عینی بوده و به طور معناداری ۳۱ درصد از تغییرات را تبیین کرده است.

نتایج تحقیق حاکی از رابطه مستقیم و معنادار بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق است. بدین معنی که افزایش شاخصهای فرسایش سرمایه اجتماعی در جامعه احتمالاً میزان رانت خواری را در جامعه افزایش خواهد داد. این رابطه از نظر آماری معنادار است. مدل معادله ساختاری برای طراحی مدل بهینه برای رانت خواری از روش تحلیل مسیر و معادلات ساختاری استفاده شد. پس از طی مراحل مختلف تدوین معادلات ساختاری و اصلاح مسیرهای اثرگذاری متغیرهای مدل بر رانت خواری ذهنی و عینی در نهایت مطلوبترین مدل معادلات ساختاری جهت تبیین رانت خواری تدوین شد. مدل نهایی و برازش

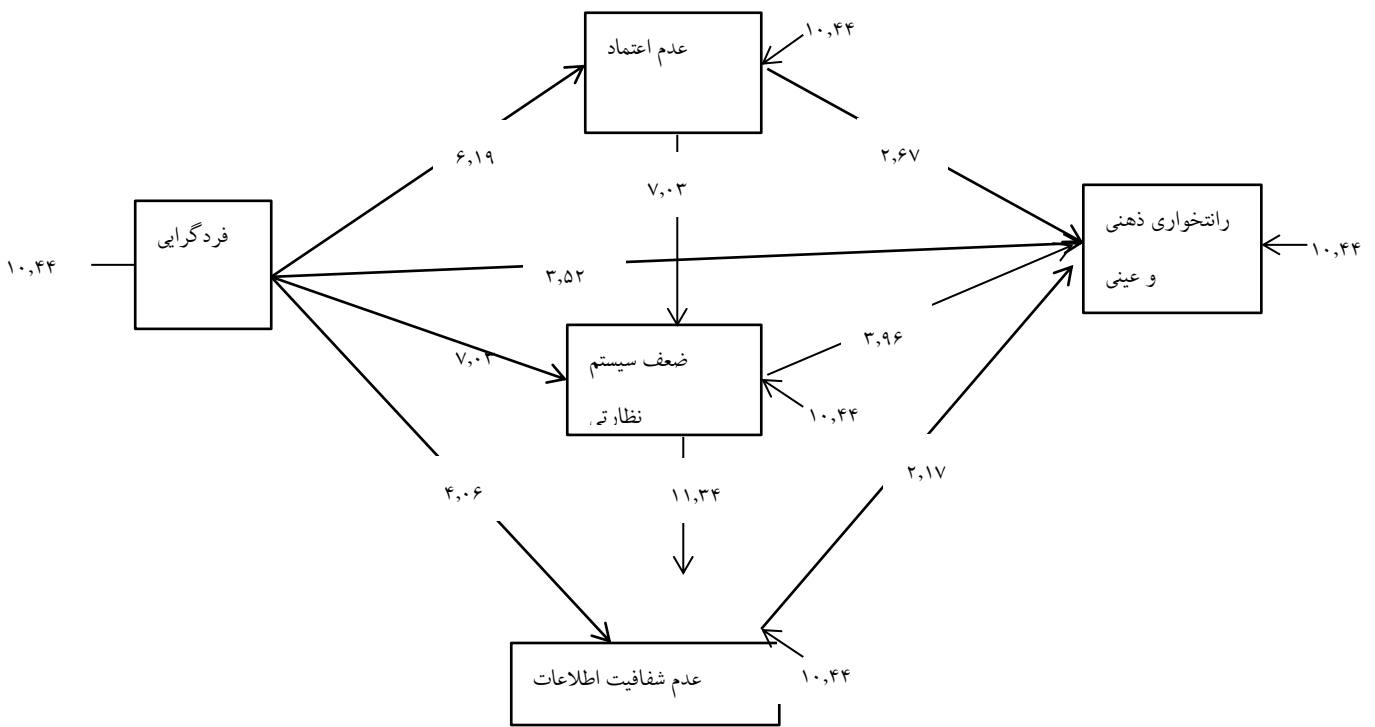
جدول ۴. شاخصهای برازش مدل ساختاری میزان رانت خواری ذهنی و عینی

شاخصهای کلی		شاخصهای معیار اطلاعات		شاخصهای برازش نسبی		شاخصهای برازش مطلق	
R2	۰/۳۱	شکل AIC	۲۹/۱۸	NFI	۱	GFI	۱
T	۱۰/۴۴	شکل مستقل AIC	۲۶۸/۵۱	NNFI	۰/۹۹	AGFI	۰/۹۷
مجذورخی	۱/۱۸	شکل اشباع AIC	۳۰	PNFI	۰/۱۰	PGFI	۰/۰۶۷
درجه آزادی	۱	شکل CAIC	۹۰/۶۹	CFI	۱	-	-
RMSEA	۰/۰۲۹	شکل مستقل CAIC	۲۹۰/۴۸	IFI	۱	-	-
معناداری	۰/۲۸	شکل اشباع CAIC	۹۵/۹۰	RFI	۰/۹۵	-	-



Chii-Square=1.18, df=1, P-value=0.27769, RMSEA= 0.029

شکل ۲. مدل ساختاری اصلاح شده و نهایی رانت خواری ذهنی و عینی



Chii-Square=1.18, df=1, P-value=0.27769, RMSEA= 0.029

شکل ۳. مدل ساختاری اصلاح شده و نهایی رانت خواری ذهنی و عینی با مقدار T

در مدل مسیر اثر غیر مستقیم عدم اعتماد بر رانت خواری به اندازه اثر مستقیم بوده و نوع اثر نیز مثبت می باشد یعنی با افزایش میزان عدم اعتماد، ضعف سیستم نظارتی بیشتر خود را نشان می دهد و در نهایت منجر به افزایش رانت خواری می شود. این امر به نوبه خود در میزان رانت خواری موثر است.

اثر غیر مستقیم ضعف سیستم نظارتی بر رانت خواری عمدتاً از طریق عدم شفافیت اطلاعات بوده است. بدین صورت که ضعف سیستم نظارتی موجب عدم شفافیت اطلاعات می شود و منجر به افزایش میزان رانت خواری ذهنی و عینی می شود. همچنین فردگرایی دارای اثر غیر مستقیم معناداری نیست زیرا مقدار آن نزدیک صفر است. در مجموع بر اساس اثرات کل در مدل ساختاری، به ترتیب متغیرهای ضعف سیستم نظارتی، عدم اعتماد، و عدم شفافیت اطلاعات دارای بیشترین تاثیر در رانت خواری ذهنی و عینی بوده اند.

مدل ساختاری نهایی رانت خواری ذهنی و عینی در شکل ۳ و ۴ ارائه شده است. در این شکل متغیر وابسته (Y) رانت خواری ذهنی و عینی می باشد و متغیرهای مستقل X1 فردگرایی، X2 عدم اعتماد، X3 ضعف سیستم نظارتی و X4 عدم شفافیت اطلاعات می باشد.

مدل تدوینی برای تبیین تغییرات میزان رانت خواری ادارت استان مازندران نشان دهنده تاثیر معنادار متغیر بیرونی فردگرایی و متغیرهای عدم اعتماد، ضعف سیستم نظارتی و عدم شفافیت اطلاعات است. نتایج ضریب مسیر در مدل نشان داد که اثر مستقیم همه متغیرهای مدل بر اعتماد به سامانه معنادار بوده است. در مدل ساختاری تدوین شده مهمترین عاملی که تاثیر مستقیم آن در بین عوامل دیگر بر رانت خواری شایان توجه است، متغیر درونی ضعف سیستم نظارتی و متغیر بیرونی فردگرایی تلقی می شود. به عبارت دیگر ضعف سیستم نظارتی زمینه را برای افزایش رانت خواری فراهم می کند و فردگرایی باعث افزایش میزان رانت خواری می شود.

جدول ۵. اثرات متغیرهای تحقیق بر میزان رانت خواری ذهنی و عینی

اثرات	فردگرایی	عدم اعتماد	ضعف سیستم نظارتی	عدم شفافیت اطلاعات	مقدار T	ضریب تعیین
اثر مستقیم	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۳۱	۰/۱۵		
اثر غیر مستقیم	۰/۰۱	۰/۱۸	۰/۱۰	۰	۱۰/۴۴	۰/۳۱
اثر کل	۰/۲۴	۰/۳۶	۰/۴۱	۰/۱۵		

اجتماعی برون گرومی یا فرسایش سرمایه اجتماعی زمینه را برای تخطی از قانون در جامعه فراهم می کند. نتایج تحلیل های آماری انجام شده نشان دادند که سرمایه اجتماعی با وجه بیرونی سازی مفراط، می تواند به جای آنکه به عنوان عاملی برای توسعه عمل نماید، به معضلی برای توسعه تبدیل شود. خانواده سالاری، قوم و خویش پرستی و فامیل خواهی نمونه هایی از سرمایه منفی اجتماعی هستند که در نمونه ایران قابل رؤیت می باشند. به عبارتی، مشاهده این مسائل در ایران توسط مردم، باعث بی میلی و عدم تمایل آنها به همکاری برای مبارزه با فساد و بی اعتمادی به رویه های قانونی می شود. فرضیه اول: بین متغیرهای زمینه ای و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

متغیرهای زمینه ای در این تحقیق با استفاده از جنس، سن، سابقه کار و سطح تحصیلات سنجیده شده است. یافته های تحقیق حاکی از تایید رابطه مستقیم، متوسط و معنادار بین سطح تحصیلات و رانت خواری و رابطه منفی و معنادار بین سن و سابقه کار و رانت خواری است.

به نظر می رسد با افزایش سن و سابقه کار، میزان محافظه کاری افراد افزایش می یابد و اظهار نظر در مورد رانت خواری برای افراد مسن تر یا دارای سابقه بیشتر سخت تر است. شاید هم پدیده ای به نام رانت خواری برای افرادی که مدت بیشتری مدیر بوده اند پدیده ای عادی تر شده باشد.

این نتیجه با نتایج تحقیقات محمدی کره ناب (۱۳۹۳)، کیم و همکاران (۲۰۰۵)، لومسدن و مک کی (۲۰۰۶)، بارت و همکاران (۲۰۰۵) همخوانی دارد.

فرضیه اصلی- به نظر می رسد بین فرسایش سرمایه اجتماعی و رانت خواری در ادارات کل استان مازندران رابطه معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد بین فرسایش سرمایه اجتماعی و رانت خواری از دیدگاه مدیران میانی استان، رابطه ای معنادار وجود دارد که شدت آن بالا و جهت آن مثبت است.

تحقیقات مختلفی که در زمینه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده است بیانگر فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران هستند. مرور این تحقیقات مشخص کرد که شاخصهای سرمایه اجتماعی در ایران امروز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند که ممکن است همین امر موجب افزایش میزان رانت خواری در جامعه باشد. خلف خانی (۱۳۸۹) معتقد بر اهمیت تأثیرگذاری فرهنگ و اجتماع و به ویژه سرمایه های اجتماعی بر توسعه فساد اداری متمرکز شده است و به این نتیجه رسید که سرمایه منفی اجتماعی به معنی هنجارهای منفی حاکم موجب افزایش فساد و رانت در ادارات شده است.

مطالعات مختلف روابط بین سرمایه اجتماعی منفی و انحراف را تایید کرده اند (۲۵، ۲۶، ۲۷). در عین حال نظریه پردازانی چون پاتنام و فوکویاما هم به تاثیر فرسایش سرمایه اجتماعی بر انحراف اشاره کرده اند. بر این اساس وقتی تعلق اجتماعی افراد نسبت به جامعه سست می شود و فرد به سمت سرمایه اجتماعی درون گروهی گرایش می یابد منافع فردی بر منافع جمع مقدم می شود. در این وضعیت است که قواعد اجتماعی که مبتنی بر منافع جامعه برای حفظ نظم اجتماعی تعریف می شود از طرف افراد نادیده گرفته می شود و قانون گریزی به پدیده ای معمول در جامعه تبدیل می شود. ضعف سرمایه

فرضیه دوم- بین عدم اعتماد و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد

نتایج نشان داد که بین عدم اعتماد تعمیم یافته و نهادی و رانت خواری رابطه‌ای در حد متوسط به بالا و مستقیم وجود دارد.

رابطه تجربی بین اعتماد عمومی و فساد از دیدگاه کلان در سال های اخیر موضوع مطالعات متعددی بوده و برای مثال اوسلانر (۲۰۰۴)، پالدام (۲۰۰۸)، ناناستاد (۲۰۰۸) و بیورنسکوف (۲۰۰۷) به این موضوع پرداخته‌اند.

اوسلانر (۲۰۰۴) این فرضیه را مورد آزمون قرار می دهد که در جوامعی که در سطوح بالای اعتماد عمومی طبقه بندی می شوند، فساد کمتر بوده و کارکردهای دولت نتایج بهتری را ایجاد، و رشد اقتصادی بالاتری ثبت می شود.

نتایج تحقیقات پالدام (۲۰۰۸) نشان داد که میزان فساد بالا و یا سطوح اعتماد پایین در عرصه عمومی، می تواند فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی را تهدید نماید. در مقابل ابعاد و پیامدهای توسعه و مشخصا توجه بیشتر به فعالیتهای مقابله با فساد می توانند وضعیت اعتماد عمومی را بهبود بخشند. وی استدلال می کند که کشورهای دارای سطوح اعتماد عمومی پایین تر دارای فساد بالاتر و رشد و توسعه ای اقتصادی ضعیف تری هستند. بنابراین، سطح پایین اعتماد تعمیم یافته در جامعه و در سطح عمومی، از بروز و تداوم فساد پشتیبانی می کند.

فرضیه سوم- بین فردگرایی و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج تحقیق در تایید این فرضیه نشان داد با افزایش فردگرایی در جامعه، احتمالا میزان رانت خواری مدیران افزایش می یابد. فردگرایی افراطی به معنای توجه بیش از اندازه به منفعت شخصی و عدم اهمیت به منافع ملی تا حدود زیادی زمینه را برای سودجویی و قانون گریزی فراهم می کند زیرا قانون گریزی قطعاً منفعت و سود بیشتری نسبت به قانون مداری عاید مدیران خواهد کرد و ضعف نهادهای نظارتی و تفسیر به رای بودن قانون هزینه قانون گریزی را در جامعه کاهش می دهد.

نتیجه مشابهی در تحقیقات محمدی کره ناب (۱۳۹۳)، حافظی (۱۳۹۱)، کیم و تادیسینا (۲۰۰۵)، کیم و همکاران (۲۰۰۵)، لومسدن و مک کی (۲۰۰۶)، بارت و همکاران (۲۰۰۵) و یانگ و همکاران (۲۰۰۵) مشاهده شده است.

بر اساس دیدگاه شوائتزر فساد زمانی پدیدار می شود که حوزه کارکرد هنجارهای خصوصی و شخصی افراد با حوزه کارکرد هنجارهای عمومی مخلوط شود، به گونه ای که هنجارهای خصوصی ارزش تفسیری بالاتری نسبت به هنجارهای عمومی داشته باشند.

فرضیه چهارم- بین نوع روابط رسمی و غیر رسمی و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج تحقیق نشان داد که بین نوع روابط رسمی و غیر رسمی و رانت خواری رابطه‌ای مستقیم و در حد متوسط وجود دارد.

رواج بیشتر روابط غیر رسمی (پیوند فرد با شبکه های خانوادگی و خویشاوندی دوستی و محلی) در مقابل روابط رسمی در جامعه،

زمینه را برای پارتی بازی، منفعت طلبی و قانون گریزی فراهم می کند.

باید توجه داشت که اختلال در روابط اجتماعی افراد با جامعه می تواند زمینه بروز انحراف و رانت خواری در جامعه را فراهم سازد.

از دیدگاه شوائتزر سلسله مراتب سازمانی، وجود تفسیرهای ذهنی از هنجارهای عمومی و تضاد در منافع و اهداف، ممکن است منجر به انسداد و اعمال مانع برای مشارکت گروه های خاص جامعه شود و اعضای این گروه ها را به اتخاذ ابزارهای تکنیکی قدرتمند برای رسیدن به اهداف خود ترغیب نماید حتی اگر این ابزارهای غیرقانونی باشند، شوائتزر نتیجه می گیرد که احتمال رخداد فساد در وابستگی به ساختارهای اجتماعی پنهان بوده و انتظار می رود که پدیده ی فساد و ابعاد آن گسترش یابد.

نتایج تحقیقات کازالو و همکاران، کیم و همکاران، لومسدن و مک کی با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد.

فرضیه پنجم- بین ضعف سیستم نظارتی و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج تحقیق نشان داد که بین ضعف سیستم نظارتی و رانت خواری رابطه‌ای مستقیم و در حد متوسط وجود دارد.

به عبارتی نتایج نشان می دهد ضعف نظارت و عملکرد دستگاه های نظارتی و همچنین سیستم پاسخگویی ضعیف می تواند زمینه ساز فساد اقتصادی بوده و به آن دامن بزند. این نتیجه با نتیجه تحقیقات کمالی، دادگر و نظری، بررسی انجام شده به وسیله سازمان بازرسی کل کشور، مؤسسه تحقیقاتی میچلسن، گوپتا و دیگران قابل تطبیق است.

تحقیقات گذشته نامناسب بودن قوانین، عدم کفایت مجریان قانون و ضعف ضمانت اجرایی را بر قانون گریزی و رانت خواری موثر دانستند.

بررسیهای تجربی نشان می دهد که وجود فساد در رده های میانی و پایین نظام اداری، تا حدود زیادی به میزان فساد در بین سیاستمداران و کارمندان عالی رتبه بستگی دارد. همچنین در یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده های میانی که مرتکب فساد اداری می شوند؛ کمتر نگران کشف جرم هستند چون غالبا درین مسوولین رده بالا و مدیران میانی، نوعی تبنانی برای چشم پوشی متقابل وجود دارد.

فرضیه ششم- بین عدم شفافیت اطلاعات و رانت خواری ذهنی و عینی رابطه معنادار وجود دارد.

بر اساس نتایج تحقیق، بین عدم شفافیت اطلاعات و رانت خواری رابطه‌ای مستقیم و در حد متوسط وجود دارد.

اکیو استدلال می کند که در جوامع سنتی، که در آن ارتباط بین دولت و بخش خصوصی دارای شفافیت های کمتری است و به عنوان مثال امکان تفکیک بین تعبیرهایی مانند هدیه دادن با رشوه به وضوح میسر نمی باشد، سطح ننگ اجتماعی ممکن است به مراتب پایین تر باشد.

مدل معادله ساختاری
برازش مدل ساختاری تدوین شده نشان داد که مدل ساختاری تنظیم شده با اندکی اصلاح در مسیرها مدل مناسبی برای تبیین رانت

به طور کلی، رانتخواری ناشی از برخی ویژگیهای سازمانی دولت و دیدگاه‌های اجتماعی نسبت به عملکردهای سیاسی است. این ویژگیها عبارت است از:

قدرت بیش از حد دولت که امکان بروز تخلفات مالی را افزایش می‌دهد؛

ضعف پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مقام‌های دولتی که باعث کاهش هزینه تخلفات مالی می‌شود؛

انگیزه‌های منفی کارکنان دولت که باعث تخلف و ارتکاب اعمال سودجویانه می‌شود.

رانت جویی باعث استفاده نادرست از منابع و کاهش کارایی نظام می‌شود. مقام‌های فاسد از طریق انحراف منابع مالی، باعث تغییر در تخصیص منابع مالی می‌شوند. بنابراین تصمیم‌های دستگاه قانونگذار بی‌اثر می‌شود و در پایان فرآیند مردم سالاری تغییر می‌کند. شاید این مهمترین پیامد رانتخواری باشد که بسیار مخربتر از پولدار شدن عده‌ای از رانتخواران است.

راهبرد مبارزه با فساد باید بسته به شرایط خاص هر کشور اتخاذ گردد. در برخی کشورها اصلاح سیاست اقتصادی نخستین اولویت است. در کشورهای دیگر، مداخله در ادارات گمرک و مالیاتی یا اصلاح تدارکات می‌تواند در اولویت باشد. البته شرایط تعیین خواهد کرد که راهبرد باید جامع یا موردی باشد. راهبردهای جامع را در جایی میتوان اجرا کرد که رهبران سیاسی متعهد به تغییر باشند و عزم و اراده ملی برای پذیرش اصلاحات سازمانی و اقتصادی وجود داشته باشد. حتی اگر در سطح ملی فرصتهای اصلاحات وجود نداشته باشد، می‌توان آن را در سطح محلی یا سازمانها یا وزارتخانه‌های خاص به وجود آورد.

رانت خواری در واکنش به تغییر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تغییر ماهیت می‌دهد. همان طور که این عوامل بر رانت مؤثر است، رانت نیز بر این عوامل اثر می‌گذارد. دستگاه‌های اجرایی به تنهایی و بدون مشارکت مردمی نمی‌توانند در مبارزه با حیف و میل، تورم سرسام‌آور، بیکاری مزمن، پایین بودن سطح زندگی و محدودیت‌های شدید اجتماعی - که نتیجه جبری چنین شرایطی است - موفقیتی به دست آورند.

بهره‌گیری از یک استراتژی جامع مبارزه با فساد این امکان را برای کشورها فراهم می‌کند تا با آگاهی از کلیه ابزارهای مربوط به کنترل فساد به تعیین اولویت و اولویتها پرداخته و از پیگیری استراتژی تک بعدی صرف اجتناب ورزند. در واقع اگرچه این امکان برای کمتر کشوری وجود دارد تا به صورت همزمان به پیگیری و انجام اصلاحات کامل در کلیه ابعاد موردنظر اشاره شده دست یازد اما وقوف بر لزوم اتخاذ استراتژی چند وجهی در مقابله با فساد، بینشی به سیاستمداران و اصلاح‌گران اعطا می‌کند که در صورت تعیین اولویتی خاص، از دیگر ابزارها و نهادها غفلت نورزند و حتی با تعیین اولویتها در هر کدام از قسمتها، اصلاحات در بخشهای مختلف را به طور همزمان پیش برند.

مسلماً مبارزه با فساد اقتصادی با شعار و فرافکنیهای سیاسی تحقق نمی‌یابد. این کار مستلزم عزم ملی، خواست همگانی، جدیت دولت و مراجع نظارتی، انتظامی و قضائی و در نتیجه ایجاد ترتیبات نهادی

خواری مدیران مازندران می‌باشد. اصطلاح مدل در مسیر اثر عوامل مرتبط روابط رسمی و غیر رسمی بر رانتخواری بود، پس از بررسی مقادیر آن به دلیل عدم معناداری آن و همچنین به هم زدن شاخصهای برازش مدل در مدل نهایی حذف شد. مدل ساختاری برازش شده متشکل از متغیرهای فردگرایی، عدم اعتماد، ضعف سیستم نظارت اجتماعی، عدم شفافیت اطلاعات توانست به طور معنادار ۳۱ درصد تغییرات رانتخواری ذهنی و عینی را تبیین کند. بررسی تطبیقی نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر آزمونهای آماری نشان داد مدل طراحی شده از برازش مناسبی برای تبیین رانتخواری ذهنی و عینی در ادارات استان مازندران برخوردار است.

نتیجه گیری

رانتخواری و رانت جویی مانند یک منشور چند وجهی است. این پدیده را می‌توان از زاویه‌های متفاوت به عنوان یک موضوع اجتماعی یا از چشم‌انداز علوم سیاسی، نظریه‌های اقتصادی و سازمانی یا از دیدگاه حقوق کیفری، مدنی یا اداری نگاه کرد. چنانچه رانت را از دریچه‌ای بسیار محدود و تنها از یک وجه منشور نگاه کنیم، ممکن است که به عنوان یک رفتار کیفری نمایان شود. در واقع، مبارزه با رانت به معنای مچ‌گیری نیست، بلکه بیشتر برای جلوگیری از سوء استفاده از قدرت یا نادرستی در فرایند تصمیم‌گیری است.

رانت پدیده‌ای است که مبارزه با آن تنها با تصویب قانون و ابلاغ بخشنامه و دستورالعمل امکان‌پذیر نیست، بلکه باید ریشه‌های آن را شناخت و با اصلاح زیرساختهای لازم، با یک برنامه‌ریزی درازمدت، به مقابله سیستمی با آن پرداخت.

رانت در هر کشور بسته به شرایط خاص آن، می‌تواند ناشی از شرایط اقتصادی (گذر، تعدیل، بازسازی، خصوصی سازی و...) و ضعف مسئولیت‌پذیری‌ها، ناکارآمدی نظام اداری، ضعف نظارت سیستمی، ضعف نظارت عمومی (جامعه مدنی، مطبوعات، احزاب و...)، ضعف نظام جزایی و کیفری، ضعف قوانین و مقررات و بی‌ثباتی آنها، شفاف نبودن قوانین و مقررات، نظام‌مند نبودن رقابت‌های سیاسی و حمایت جریانهای سیاسی از عناصر مرتبط، فقدان امنیت شغلی، ضعف نظام تأمین اجتماعی و... باشد.

از سوی دیگر ابهام، ناسازگاری، یا هم پوشانی وظایف، اختیارات، و مسئولیتهای دستگاه‌ها و نهادهای تشکیل دهنده حکومت اعم از قوای اجرایی، قضایی، و قانونگذاری - که در نهایت اصل مهم مسئولیت‌پذیری را خدشه‌دار یا ناکارآمد می‌سازد - ضعف کنترل و نظارت مؤثر یا کارآمد، نبود معیارهای ارزیابی و سنجش فساد و رانت - به عنوان ابزار کنترل و نظارت - نبود شفافیت و گردش مناسب داده‌ها و اطلاعات - به عنوان ابزار ارزیابی و سنجش فساد - عدم الزام به حساب دهی و گزارش دهی - به عنوان ابزار شفافیت - فقدان پوشش قانونی مؤثر یا اجرای نادرست قانون یا نابرخورداری قانون از ضمانت اجرایی کافی، از جمله عواملی هستند که باعث تشدید فساد و رانت در هر کشور می‌شود. بنابراین در شرایط مختلف اتخاذ راهبرد لازم، متفاوت خواهد بود.

index in Iran and selected countries of the world", *Political-Economic Information Monthly*, Vol. 264-263.

11. Khalafkhani, Mehdi, (1389) "Social approach in compiling indicators for measuring administrative corruption", *scientific-specialized quarterly of Danesh Eraziyabi (General Inspection Organization of the country)*, Q2, No.3.
12. Afshari, Ismail, (1378) *Review of the guide to prevent human corruption caused by commission in transactions by managers*, Tarbiat Modares University, Faculty of Human Sciences.
13. McConkey, Dale (1987). "Planning for Uncertainty"; *Business Horizons Journal*; Vol 30. P40-45.
14. Hawker, John. (2008). *Corruption from a Cross-Cultural Perspective*. www.academia.edu. 6/15/1395
15. Mashali, Behzad. (2012). *Analysis of the Relationship Between Perceived Grand Corruption and Petty Corruption in Developing Countries: Case Study of Iran*. *International Review of Administrative Sciences*, Vol. 74 (4). 775-787.
16. Tadbir Ekhtaz Research Institute (2007), *solutions to deal with economic corruption in Iran with an emphasis on the experiences of successful countries, a series of reports investigating the issue of corruption*, No. 8, Tehran
17. Theim, Arik; Dusa, Adrian. (2013). *QCA: A Package for Qualitative Comparative Analysis*. *Contributed Research Articles*, Vol. 5 (1). 87-97.
18. Alwani, Sayed Mahdi and Shirwani, Alireza. (1385). *Social capital (concepts, theories and applications)*. Tehran: Mani.
19. Steven. Alex. (2016). *Configurations of Corruption: A Cross-national Qualitative Comparative Analyzes of Level of Perceived Corruption*. *International Journal of Comparative Sociology*. Vol. 57 (4). 183-206.

مناسب برای مبارزه با فساد اقتصادی و حمایت از آنها در یک چارچوب قانونی مناسب می‌باشد. اگرچه اقدامات تنبیهی و کنترل‌های بیرونی در کاهش فساد مؤثر می‌باشند، اما واقعیت این است که از کارایی لازم برخوردار نبوده و همواره در برابر مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و جناحی آسیب‌پذیر خواهد بود.

References

1. Abbas Zadeh, Mohammad; Alizadeh Aghdam, Mohammad Baqer and Eslami Bonab, Reza (1390). *Trust in executive bodies and factors affecting it*. *Applied sociology*. 22(41).
2. Rahbar, Farhad (1381), *Recognizing the complication of financial corruption; Nature, types, implications and empirical teachings*. Tehran: Jihad Publishing Institute.
3. Salimi, Sadegh, (2007), "White-collar criminals and Iran's criminal policy", *Tehran University Faculty of Law and Political Science Law Quarterly*, Volume 38, Number 4.
4. Bilali, Esmail, Faramarzi, Daoud (2008). "Theoretical study of the issue of administrative corruption", *Journal of Justice*, No. 37.
5. Rafipour, Faramarz (2006), *social cancer of corruption*. Tehran, Publications of the publishing company, first chapter.
6. Dellaporta, Donatella (beta). *Corruption and Democracy, Message of UNESCO*, vol. 313, p. 27.
7. Abbas Zadegan, Seyyed Mohammad, (2013) *Administrative Corruption*, Cultural Research Office, Tehran
8. Rahbar, Farhad and others (1381), *Recognizing the complication of financial corruption*. Academic Jihad Publishing Institute, Faculty of Economics, University of Tehran.
9. Raghofer, Hossein, (1383). *Power, economic policies and corruption in Iran*. A collection of articles on social harms in Iran, Tehran: Age Publishing.
10. Dadgar, Yadullah, and Ruhollah Nazari (1388). "Inspection of corruption

20. Seligson, Mitchell. (2006). The Impact of Corruption Victimization: Survey Evidence from Latin America. *World Development*, Vol. 34 (2). 381-404.
21. No, Victor. (2003). The New Institutionalism in Economy and Sociology. Center for the Study of Economy and Society. CSES Working Paper Series, Paper 4. 1-71.
22. Ackerman, Susan-Rose. (2006). International handbook on the economics of corruption. Edward Elgar publishing limited.
23. Kenny, B. Kevin (2013) White-collar crimes, criminals behind the mask of trust, translated by Naja Education Vice-Chancellor.
24. Heywood, Paul (2012) Political Corruption, translated by Mohammad Taheri and Qasim Bani Hashemi, Tehran, Strategic Studies Research Institute.
25. Giddens, Anthony (1377). Consequences of modernity. Translated by Mohsen Trii. Tehran: Nashmar Kez.
26. Atai, Omid (2009). Corruption Perception Indicators and its Implementation Solutions, Proceedings of the Administrative Health Promotion Conference, Tehran, Zaman Noo Publications.